

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سلسله عقیده اسلام ۱



بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على
رسول الله و على آله و اصحابه الى يوم الدين و
اما بعد :

تعريف اسراء از نظر لغت و شريعت:

اسراء در لغت از السري گرفته شده و آن به معني سير شبانه
يا حرکت در آن است و گفته شده تمام شب سير نمودن
است.

و گفته اند به معني شب روي نمودن و پيش کسي رفتن
است. و از آنها اين سخن نيكوتر است که:

أسرت إليك ولم تكن تسري ... شبانه به سوي تو آمدم و
شب روي نکردم.

اسراء هنگامی که در شرع به کار می رود مراد از آن: سير
نمودن رسول الله صلی الله علیه وسلم از مسجدالحرام در
مکه به سوي بیت المقدس در ايليا و بازگشت او در آن شب
است.

حقيقت اسراء و دلائل آن:

اسراء نشانه بزرگي است که خداوند به وسيله آن پیامبر
صلی الله علیه وسلم را قبل از هجرت تأييد و تقويت نمود
به گونه اي که شبی از مسجد الحرام به سوي مسجد الاقصي
سوار بر براق با هم صحبتي جبریل؛ سير داده شد تا به بیت
المقدس رسید. براق را به حلقه در مسجد بست سپس داخل
مسجد شد و با پیامبران در حالیکه امام آنها بود، نماز خواند.

سپس جبریل؛ با ظرفي از شراب و ظرفي از شیر پيش او آمد و
پیامبر شیر را بر شراب اختيار نمود. جبریل؛ به او فرمود:
هدایت را براي فطرت برگزیدی. و دلیل بر اسراء، کتاب و
سنت می باشند. الله تعالی می فرماید: ﴿سُبْحَنَ الَّذِي
أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ
الْأَقْصَا الَّذِي بَرَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنَ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ
السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾ (اسراء 1)

«پاك و منزّه است خدایي که بنده اش را شبی از مسجد
الحرام به سوي مسجد الاقصي که اطراف آن را برکت داده
ایم، سير داد تا از نشانه هاي خود بر ما بنمایاند که همانا او
شنوای بیناست».

و از سنت حدیث انس بن مالك است که مسلم در
صحیحش از طریق ثابت بنانی او نیز از پیامبر صلی الله علیه
وسلم روایت می کند که فرمود: « أَتَيْتُ بِالْبَرَّاقِ وَهُوَ
دَابَّةٌ أَبْيَضُ طَوِيلٌ فَوْقَ الْحِمَارِ وَدُونَ الْبِغْلِ يَضَعُ
حَافِرَهُ عِنْدَ مُنْتَهَى طَرَفِهِ قَالَ فَرَكِبْتُهُ حَتَّى أَتَيْتُ
بَيْتَ الْمَقْدِسِ قَالَ فَرَبَطْتُهُ بِالْحَلْقَةِ الَّتِي يَرِبُطُ بِهَا
الْأَنْبِيَاءُ قَالَ ثُمَّ دَخَلْتُ الْمَسْجِدَ فَصَلَّيْتُ فِيهِ
رُكْعَتَيْنِ ثُمَّ خَرَجْتُ فَجَاءَنِي جِبْرِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ
يَأْنَاءَ مِنْ خُمُرٍ وَإِنَاءَ مِنْ لَبَنٍ فَاخْتَرْتُ اللَّبَنَ فَقَالَ
جِبْرِيلُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اخْتَرْتَ الْفُطْرَةَ »

«براق را برابم آوردند» که حیوانی سفید و دراز و بزرگتر از
الاغ و کوچکتر از قاطر بود و سمش را در انتهای دید

چشمش می گذاشت. «بر او سوار شدم تا به بیت المقدس رسیدیم. او را به حلقه دري که انبیاء به آن می بستند، بستم. سپس داخل مسجد شدم و در آن دو رکعت نماز خواندم سپس خارج شدم و جبریل با ظرفی از شراب و ظرفی از شیر پیش من آمد و من شیر را انتخاب کردم. جبریل گفت: فطرت را انتخاب کردی». سپس بقیه حدیث را ذکر نمود و اینکه پیامبر صلی الله علیه وسلم چگونه به آسمان بالا رفته است. مسلم (162).

دلیل بر اسراء رسول الله صلی الله علیه وسلم تعداد احادیثی است که در صحیحین، سنن و غیره آمده و اصحابی که از رسول الله صلی الله علیه وسلم روایت نموده اند تعدادشان به حدود سی نفر می رسد سپس آن را کسانی که تعدادشان را جز خدا نمی داند از روایان سنت و امامان دین روایت نموده اند.

علمای سلف و خلف مسلمانان اتفاق نظر دارند و بر صحت و درستی اسراء رسول الله صلی الله علیه وسلم اجماع دارند که آن حق است. گفتن اجماع بر آن از قاضی عیاض در (الشفاء) و سفارینی در (لوامع الانوار) نقل شده است. اسراء پیامبر صلی الله علیه وسلم با روح و جسم و در بیداری بوده است و این چیزی است که نصوص صحیح،

تمام صحابه، امامان اهل سنت و محققان اهل علم بر آن دلالت دارند.

ابن ابی عز حنفی می گوید: (وكان من حديث الإسراء: أنه أسرى بجسده فى اليقظة على الصحيح من المسجد الحرام إلى المسجد الأقصى ..) «و از حدیث اسراء اینگونه بر می آید که او با جسمش در بیداری از مسجد الحرام به سوی مسجد الاقصی شب روی نمود». و قاضی عیاض تأکید می کند که آن همان چیزی است که همه اهل علم از صحابه و کسانی که بعد از آنها آمده اند، بر آن هستند: (وذهب معظم السلف والمسلمين إلى أنه إسراء بالجسد وفى اليقظة، وهذا هو الحق، وهو قول ابن عباس وجابر، وأنس، وحذيفة، وعمر، وأبى هريرة، ومالك بن صعصعة، وأبى حبة البدرى، وابن مسعود، والضحاك، وسعيد بن جبیر، وقتادة، وابن المسيب، وابن شهاب، وابن زید، والحسن، وإبراهيم، ومسروق، ومجاهد، وعكرمة، وابن جريج، وهو دليل قول عائشة، وهو قول الطبري وابن حنبل وجماعة عظيمة من المسلمين، وقول أكثر المتأخرين من الفقهاء والمحدثين والمتكلمين والمفسرين) «بزرگان سلف و مسلمانان بر این عقیده هستند که اسراء با جسم و در بیداری صورت گرفته است و این حق می باشد. و این قول ابن عباس، جابر، انس، حذیفه، عمر، ابوهریره، مالک بن صعصعه، ابو حبه بدری، ابن مسعود، ضحاک، سعید بن جبیر، قتاده، ابن مسیب، ابن شهاب، ابن زید، حسن و

ابراهیم، مسروق، مجاهد، عکرمه، ابن جریج، و قول عائشه، طبری، ابن حنبل، دسته بزرگی از مسلمانان و سخن بیشتر متأخرین از فقهاء و محدثین، متکلمین و مفسران است».

تنها یکی از محققین در نقدش بر کسی که گمان می کند اسراء دو بار روی داده می گوید: (والصواب الذى عليه أئمة النقل أن الإسراء كان مرة واحدة بمكة بعد البعثة. ويا عجباً لهؤلاء الذين زعموا أنه مرارا كيف ساع لهم أن يظنوا أنه فى كل مرة تفرض عليه الصلاة خمسين ثم يتردد بين ربه وبين موسى حتى تصير خمسا ثم يقول: (أمضيت فريضتى وخففت عن عبادى) ثم يعيدها فى المرة الثانية إلى خمسين، ثم يحطها عشرا عشرا) «و درست این است که محدثان بر آن هستند که اسراء يك بار در مکه بعد از بعثت بوده است. و جای تعجب است برای کسانی که گمان می کنند که آن بارها تکرار شده است چگونه برای آنها رواست که همچون گمانی ببرند که در هر بار پنجاه نماز بر او فرض شده است سپس او در بین خدا و موسی در رفت و آمد بوده تا اینکه به پنج نماز انجامید. سپس می گوید: «واجب را تأیید کردم و آن را بر بندگانم تخفیف دادم» سپس در مرتبه دوم به پنجاه برگردانده و ده ده از آن کم نموده است».

معراج و حقیقت آن:

حدیث معراج همراه حدیث اسراء در نصوص و کلام اهل علم آمده و شایسته است که همراه آن آورده شود تا مکمل فایده باشد.

معراج بر وزن مفعال از باب عروج است. یعنی وسیله که در آن بالا می رود. و آن به منزله نردبانی است که کیفیت آن را نمی دانیم. منظور از معراج که در شرع بکار می رود، بالا رفتن پیامبر صلی الله علیه وسلم همراه با جبریل؛ از بیت المقدس به آسمان دنیا سپس سایر آسمانها تا آسمان هفتم و دیدن پیامبران در آسمانها بر منازلشان و سلام نمودن بر آنها و خوش آمد گفتن آنها به او سپس بالا رفتن او به سوی سدره المنتهی و دیدن جبریل؛ بر صورتی که خداوند او را بر آن خلق کرده است سپس خداوند در آن شب پنج نماز را بر او فرض نمود و خداوند به خاطر آن با او سخن گفت سپس به سوی زمین برگشت. و معراج در شب اسراء بوده است. کتاب و سنت بر معراج شاهدند. در قرآن ذکر بعضی از نشانه ها و آیات بزرگ که برای پیامبر صلی الله علیه وسلم در شب معراج حاصل گشته، آمده است مانند این سخن الله تعالی که می فرماید: ﴿أَفْتَمَرُونَهُ عَلَىٰ مَا يَرَىٰ ۖ وَلَقَدْ رَآهُ نَزْلَةً أُخْرَىٰ ۖ عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَىٰ ۖ عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَىٰ ۖ إِذْ يَغْشَى السِّدْرَةَ مَا يَغْشَىٰ ۚ مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَمَا طَغَىٰ ۚ لَقَدْ رَأَىٰ مِنْ ءَايَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَىٰ ۝﴾ (نجم 12-18)

«آیا در آنچه دیده است با او جدل می کنید؟ قطعاً بار دیگر او را دیده است، نزدیک سدره المنتهی در همانجا که جنة المأوی است آنگاه که درخت سدر، آنچه را که پوشیده بود، می پوشاند دیده منحرف نشد و درنگذشت برآستی که برخی از آیات بزرگ پروردگار خود را دید». الله تعالی در این آیه نشانه ها و آیات بزرگ که به وسیله آن رسولش صلی الله علیه وسلم را در شب معراج اکرام نمود مانند دیدن جبریل؛ کنار سدره المنتهی و دیدن سدره المنتهی و آنچه از امر خداوند بود و آن را پوشانده بود. ابن عباس و مسروق می گویند: "غشیها فراش من ذهب" «با فرشهایی از طلا آن را پوشانده بود».

و در سنت خبر معراج در بیشتر آنها به تفصیل آمده است که از آن جمله حدیث انس است که در داستان اسراء آنچه مربوط به اسراء بود گفته شد سپس پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید:

«ثُمَّ عَرَجَ بِنَا إِلَى السَّمَاءِ فَاسْتَفْتَحَ جِبْرِيلُ فَقِيلَ مَنْ أَنْتَ قَالَ جِبْرِيلُ قِيلَ وَمِنْ مَعَكَ قَالَ مُحَمَّدٌ قِيلَ وَقَدْ بَعَثَ إِلَيْهِ قَالَ قَدْ بَعَثَ إِلَيْهِ فَفَتَحَ لَنَا فَإِذَا أَنَا بِأَدَمَ فَرَحَّبَ بِي وَدَعَا لِي بِخَيْرٍ (ثم ذكر عروجه إلى السماوات وملاقاته الأنبياء إلى أن قال) ثُمَّ ذَهَبَ بِي إِلَى السِّدْرَةِ الْمُنْتَهَى وَإِذَا وَرَقُهَا كَأَذَانِ الْفِيلِ وَإِذَا ثَمَرُهَا كَالْقِلَافِ قَالَ فَلَمَّا غَشِيَهَا مِنْ أَمْرِ اللَّهِ مَا غَشَى تَغَيَّرَتْ فَمَا أَحَدٌ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ يَسْتَطِيعُ أَنْ يَنْعَتَهَا مِنْ حُسْنِهَا فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيَّ مَا أَوْحَى فَفَرَضَ عَلَيَّ

خَمْسِينَ صَلَاةً فِي كُلِّ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ فَنَزَلْتُ إِلَى مُوسَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ مَا فَرَضَ رَبُّكَ عَلَيَّ أَمَّتْكَ قُلْتُ خَمْسِينَ صَلَاةً قَالَ ارْجِعْ إِلَى رَبِّكَ فَاسْأَلْهُ التَّخْفِيفَ فَإِنَّ أَمَّتْكَ لَا يُطِيقُونَ ذَلِكَ فَإِنِّي قَدْ بَلَوْتُ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَخَبِرْتَهُمْ قَالَ فَرَجَعْتُ إِلَى رَبِّي فَقُلْتُ يَا رَبِّ خَفِّفْ عَلَيَّ أُمَّتِي فَحَطَّ عَلَيَّ خَمْسًا فَرَجَعْتُ إِلَى مُوسَى فَقُلْتُ حَطَّ عَلَيَّ خَمْسًا قَالَ إِنَّ أَمَّتْكَ لَا يُطِيقُونَ ذَلِكَ فَارْجِعْ إِلَى رَبِّكَ فَاسْأَلْهُ التَّخْفِيفَ قَالَ فَلَمْ أَزَلْ أَرْجِعْ بَيْنَ رَبِّي تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَبَيْنَ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ حَتَّى قَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّهُنَّ خَمْسُ صَلَوَاتٍ كُلُّ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ لِكُلِّ صَلَاةٍ عَشْرٌ فَذَلِكَ خَمْسُونَ صَلَاةً» ..)

یعنی: «سپس ما را به آسمان بالا برد جبریل از (دربان) خواست که در را باز کند. گفته شد: تو کیستی؟ گفت: جبریل. گفته شد: چه کسی با توست؟ گفت: محمد صلی الله علیه وسلم. گفته شد: دعوت شده است؟ گفت: بله، دعوت شده است. پس در را برایمان باز کرد در این هنگام با آدم؛ روبه رو شدم به من خوش آمد گفت و برایم دعای خیر کرد. (سپس بالا رفتن او به آسمانها و ملاقاتش با انبیاء را ذکر می کند تا آنجا که فرمود): سپس مرا به سدره المنتهی برد که دیدم برگهایش همچون گوشه های فیل و میوه هایش همچون کوزه های بزرگ می باشند. پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: وقتی آن به امر خداوند چیزی را فرا می گیرد دگرگون می شود و از زیبایی آن، هیچیک از آفریدگان خداوند نمی تواند توصیف کند. پس به من وحی کرد آنچه وحی می کرد و بر من پنجاه نماز در شبانه روز واجب کرد

آنگاه به سمت پایین به طرف موسی؛ برگشتم. گفت:

پروردگارت چه چیزی را بر امت واجب کرد؟ گفتم: پنجاه نماز. گفت: بسوی پروردگارت برگرد و از او تخفیف بخواه، زیرا امت نمی تواند آن را انجام دهد که من بنی اسرائیل را آزمایش کرده ام. پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: نزد پروردگارم برگشتم و گفتم: خدایا بر امتم تخفیف بده، پس پنج نوبت از آن را برایم تخفیف داد. نزد موسی برگشتم و گفتم: پنج فرض را برایم تخفیف داد. گفت: امت نمی تواند آن را انجام دهد، نزد پروردگارت برگرد و از او تخفیف بخواه. پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: همچنان بین پروردگار متعال و موسی؛ در رفت و آمد بودم تا اینکه خداوند فرمود: ای محمد در هر شبانه روز پنج نوبت نمازند و برای هر فرض نماز ده اجر قرار دادم، پس پنجاه فرض نماز می شود....» مسلم خبر معراج را با الفاظ نزدیک از حدیث مالک بن صعصعه و ابوذر و ابن عباس در صحیحین و غیر این دو استخراج کرده است. مسلم (162).

اسراء و معراج از نشانه های بزرگی هستند که خداوند به وسیله آن پیامبرش صلی الله علیه وسلم را تکریم نمود و بر مسلمانان واجب است که به درستی آنها اعتقاد داشته باشند و اینکه آن دو صفات بزرگی هستند که خداوند در میان رسولان به پیامبر ما صلی الله علیه وسلم اختصاص نموده است و جایز نیست برای یاد اسراء و معراج جشن برپا نمود همچنانکه جایز نیست برای آن دو نماز خاصی تشریع کرد

بدینگونه که بعضی از مسلمانان عوام انجام می دهند بلکه تمام آنها بدعت منکری هستند که پیامبر صلی الله علیه وسلم تشریع ننموده و احدی از سلف آن را انجام نداده است و از احدی از اهل علم نقل نشده تا به آن اقتدا کنند.

علمای اهل سنت در بیان نماز شب بیست و هفتم از ماه رجب و مانند اینها می گویند: (**مَنْ الْبَدَعَ التَّيَّ أَعْدَتُ فِي دِينِ اللَّهِ، وَأَنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ مَشْرُوعٍ بِاتِّفَاقِ أُمَّةِ الْإِسْلَامِ وَلَا يَنْشَأُ مِثْلَ هَذَا إِلَّا جَاهِلٌ مُبْتَدِعٌ**) «از جمله بدعتهایی است که در دین خداوند به وجود آمده و به اتفاق امامان اسلام عملی غیر مشروع است و مانند این جز از انسان جاهل بدعتگذار بوجود نمی آید». رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید: «**مَنْ أَحْدَثَ فِي أَمْرِنَا هَذَا مَا لَيْسَ فِيهِ فَهُوَ رَدٌّ**» «هرکس در دین ما چیزی را که جزء آن نیست ایجاد کند باطل و مردود است». بخاری (2697)، صحیح مسلم (1718).

وَصَلَّى اللَّهُ وَسَلَّمَ عَلَى نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ وَصَحْبِهِ أَجْمَعِينَ.
وَأَخِرَ دَعْوَانَا أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.